

تحلیل جنسیتی عوامل مرتبط با خلاقیت دانشجویان (مورد مطالعه: دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان)

زهرا هوشمندان مقدم فرد

دانشجوی دکتری، ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان (Hooshmand@Znu.ac.ir)

آدرس پستی*: زنجان- کیلومتر ۶ جاده تبریز- دانشگاه زنجان- دانشکده کشاورزی- گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، کد پستی: ۳۸۷۹۱-

Hooshmand@Znu.ac.ir -۴۵۳۷۱

چکیده

با توجه به بیکاری گسترده فارغ التحصیلان کشاورزی، بررسی عوامل مؤثر بر خلاقیت به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر کارآفرینی دانشجویان باید مورد تأکید قرار گیرد. هرگونه برنامه‌ریزی ارتقای خلاقیت دانشجویان نیازمند شناخت کافی از تفاوت‌های جنسیتی می‌باشد. هدف تحقیق توصیفی همبستگی حاضر سنجش میزان خلاقیت و بررسی عوامل مرتبط بر آن در بین دو گروه از دانشجویان دختر و پسر بود. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای دربردارنده متغیرهای فردی، آموزشی و نیز شاخص استاندارد سنجش خلاقیت تورنس بود و با انجام مطالعه مقدماتی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰ پایایی آن به دست آمد. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان در مقطع کارشناسی بودند (۷۲۴ نفر) که از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه‌ای به تعداد ۲۱۷ دانشجو (۶۴ پسر و ۱۵۳ دختر) و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب با حجم انتخاب و مطالعه شدند. ۷۹/۷ درصد پسران و ۸۲/۴ درصد دختران از نظر خلاقیت کلی در سطح متوسط و کمتر از متوسط بودند. نتایج آزمون کای اسکور نشان داد که خلاقیت کل و نیز چهار بعد خلاقیت (سیالیت، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط) ارتباط معنی‌داری با جنسیت نداشتند. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که معدل دانشجویان دختر با خلاقیت آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری داشت ولی در دانشجویان پسر این رابطه معنی‌دار نبود. آزمون t نشان داد که خلاقیت دانشجویان شهری و روستایی تفاوت معناداری باهم دیگر داشتند.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، نظام آموزش عالی، دانشجویان کشاورزی، تحلیل جنسیتی

Gender Analysis of Factors Related with Students' Creativity (Case Study: Faculty of Agriculture/University of Zanjan)

Zahra Hooshmandan Moghaddm Fard

Ph.D Student, Agricultural Extension and Education, University of Zanjan, Iran

Abstract

Due to high unemployment of agricultural graduates, study of related factors with students' creativity as an important component of their entrepreneurship should be emphasized. Any planning with the objective of increasing creativity should consider the gender differences. The purpose of this correlational- descriptive study was to investigate the factors related with the students' creativity in two groups of male and female. The research tool was a questionnaire which consist some demographic and educational variables and Torrance standard test of creativity. By conducting a pilot test and calculating alpha Cronbach equals with 0.9, its reliability was confirmed. The statistical population consist all BSc. Students in the faculty of agriculture, University of Zanjan (N=724) which 217 students (64 male and 153 female) as sample were identified through using of Cochran formula under stratified randomized sampling method. Majority of female students (82.4 percent) and male students (79.7 percent) had average and lower than average of creativity in total. Chi Square test revealed that there are no meaningful correlation between creativity and its four dimensions (fluency, flexibility, innovativeness and elaborations) with gender. There was a positive meaningful correlation between average grade point of female students and their creativity but in male students the correlation was not meaningful. T test analysis revealed that there is significant meaningful difference between rural and urban students in regard their creativity level.

Keywords: Creativity, Higher Education System, Agriculture Students, Gender Analysis

مقدمه

در سال‌های اخیر، پدیده بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به‌طور اعم و فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی به‌طور اخص با شدت بیشتر، رواج یافته است. از طرفی با توجه به سیاست‌های کشور و لزوم کوچک‌سازی دولت، حل این معضل از طریق بخش خصوصی و خوداشتغالی فارغ‌التحصیلان میسر خواهد بود و ضرورت دارد که دانشکده‌های کشاورزی نسبت به ارتقای توانایی کارآفرینی دانشجویان توجه ویژه‌ای مبذول دارند. کارآفرینی، فرآیند یا مفهومی است که در آن فرد کارآفرین با ایده‌های نو در جهت شناسایی فرصت‌های جدید و با بهره‌گیری از منابع مختلف به ایجاد کسب‌وکارهای نو، شرکت‌ها و سازمان‌های جدید و نوآور رشد یابنده مبادرت می‌ورزد (موسوی، ۱۳۹۲). ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که عوامل مختلفی از جمله سرمایه انسانی به‌طور معنی‌داری بر میزان رشد کسب‌وکارهای جدید تأثیر می‌گذارد (Liñán and Santos, 2007). در این میان، خلاقیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی تأثیرگذار بر کارآفرینی توجه زیادی را به خود جلب نموده است (شکیبا و همکاران ۱۳۹۴). خلاقیت یک خصیصه اساسی در انسان است (Da Costa et al., 2015) که به عقیده رانکو (Runco, 2004)، که بر نظریه سیمونتون تأکید دارد، هر فردی پتانسیل خلاقیت را در خود به ارث برده است (Da Costa et al., 2015) تحقیقات انجام شده در مورد ویژگی‌های مورد انتظار کارفرمایان از فارغ‌التحصیلان جویای کار نیز نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان باید دارای قدرت خلاقیت باشند (Jackson et al., 2006; Prilleltensky and Prilleltensky, 2007). توجه به جایگاه آموزش عالی و نقش بخش کشاورزی در استقلال ملت‌ها (مردانشاهی و همکاران ۱۳۹۲) و اینکه کشورها، بیش‌ازپیش به افرادی نیاز دارند که استعدادهای وجودی آن‌ها به‌گونه‌ای پرورش پیدا کند که دانش، مهارت و تخصص موردنیاز و از همه مهم‌تر توانایی تفکر خلاق را دارا باشند (اعرابی و موسوی ۱۳۸۸)، بررسی وضعیت موجود خلاقیت افراد و عوامل مرتبط با آن‌ها برای هرگونه برنامه‌ریزی آتی اهمیت اساسی دارد (شکیبا، ۱۳۹۲؛ Da Costa et al., 2015) و از دیدگاه ریهارم و برولین (Ryhammar and Brodin, 1999) خلاقیت از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۹ سه روند عمده را طی کرده است. به‌نحوی که در جریان اول، تحقیقات سال‌های ۱۹۵۰ اغلب بر شخصیت افراد خلاق تأکید داشته است. در جریان دوم، مطالعه شناخت، خصوصیات ادراکی، فکری و هوشمندانه افراد خلاق محور توجهات بوده است. در این مرحله است که رویکرد روان‌سنجی خلاقیت نظیر آنچه تورنس در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مطرح کرده بود به عنوان تحولی بزرگ در این زمینه مطرح گردید. تورنس (Torrence, 1979) خلاقیت را شامل ۴ عنصر اصلی سیالیت (قدرت تولید ایده‌ها و جواب‌های فراوان)، انعطاف (توانایی لازم برای تغییر جهت فکری یا توانای تولید ایده‌های متنوع)، ابتکار (توانایی تولید ایده یا محصول نو و بدیع، یعنی پاسخ‌های فرد قبلاً دیده نشده باشد و جدید و نو باشد) و بسط با جزئیات (توانایی توجه به جزئیات وابسته به یک ایده؛ یعنی افراد خلاق به جزئیات یک ایده توجه بیشتری نشان می‌دهند). این‌گونه پژوهش‌ها منجر به آگاهی از ذهن خلاق بر اساس توانایی‌های هوشمندانه و شناختی شد و در جریان سوم توجهات معطوف به آموزش خلاقیت و تحریک آن گردید. در تعریف خلاقیت، ساویل (Saville, 2006)، خلاقیت را حالتی از ذهن می‌داند که طی آن، هوش‌های چندگانه به‌طور یکپارچه عمل می‌کنند و در چنین حالتی است که خلاقیت یک توانایی قوی در فرد ایجاد می‌کند و موجب می‌شود او با یک تمرکز مؤثر، به نوآوری دست یابد. بنابراین، می‌توان گفت خلاقیت به عنوان یک وسیله برای رسیدن به هدف است نه خود هدف (Smith and Smith, 2010) که هدف آن دستیابی به‌تازگی است؛ پس می‌تواند نقطه شروعی برای نوآوری (Baumol, 1993) و در نتیجه یک مؤلفه ضروری در همه زمینه‌ها باشد (Ambrose, 1996) سابقه طرح موضوع جنسیت در ادبیات خلاقیت به سال ۱۹۷۶ و مطالعه کوگان (Kogan, 1974) برمی‌گردد که وی یک بررسی جامع و کامل از تفاوت‌های جنسیتی در خلاقیت ارائه داد که در حال حاضر نیز علی‌رغم نتایج گاهاً متفاوت تحقیقات صورت گرفته در این حوزه برجسته است. وی اعتقاد داشت که اگر یک متخصص علوم رفتاری ادعا بکند که یک جنس از جنس دیگر خلاق‌تر است با انبوهی از منتقدان مواجه خواهد شد و در ادامه با کمی احتیاط اضافه می‌کند که بین مردان و زنان از نظر خلاقیت یک برابری نسبی وجود دارد. بائر و کافمن (Baer and Kaufman, 2008) هم با انجام یک مطالعه فرا تحلیل و بررسی ده‌ها مطالعه‌ای که با روش‌شناسی‌ها و نیز فن‌های مختلفی روی جوامع آماری متفاوت انجام گرفته بود، عنوان می‌کنند اگرچه شواهد و یافته‌های قابل ملاحظه‌ای در برخی روندها و حیطه‌ها

حکایت از تفاوت بین دو جنس دارد، ولی بازم در مجموع باید گفت که یک برابری نسبی در توانایی خلاقیت بین زنان و مردان وجود دارد. به نظر می‌رسد که در خصوص تحلیل جنسیتی خلاقیت هیچ مطالعه‌ای با قاطعیت صحبت نمی‌کند و نیاز است که بررسی‌های بیشتری در این حوزه صورت بگیرد. در کنار جنسیت باید به متغیرهای متعدد دیگری که بر خلاقیت تأثیرگذار هستند نیز باید اشاره کرد. فولادوند منصوری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی نشان دادند که بین پنج عامل شخصیت و خلاقیت در مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. تحقیق ساجدی (۱۳۹۳) باهدف بررسی خلاقیت و سبک‌های یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان در فرایند یاددهی - یادگیری، مبین عدم وجود اختلاف معنی‌دار آماری از نظر خلاقیت بین دانشجویان دانشکده‌ها بود. در مطالعه دیگری که توسط مردانشاهی (۱۳۹۲) جهت بررسی سطح خلاقیت و ریسک‌پذیری دانشجویان کارشناسی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، انجام گرفت مشخص شد که دانشجویان مورد مطالعه، در مورد ویژگی خلاقیت ضعف جدی دارند و بین دانشجویان دختر و پسر، در ویژگی خلاقیت اختلاف معناداری وجود ندارد، همچنین دانشجویان رشته مرتع‌داری، به جز زراعت، با بقیه رشته‌ها اختلاف دارند و دانشجویان رشته زراعت نیز با رشته‌های مرتع‌داری، خاک‌شناسی و صنایع غذایی اختلاف نداشته ولی با بقیه رشته‌ها اختلاف دارند. در مطالعه‌ای دیگر، مردانشاهی و همکاران (۱۳۹۲) به منظور بررسی میزان خلاقیت در دانشجویان ورودی و خروجی دانشگاه‌های دولتی (مطالعه موردی: استان مازندران)، نشان دادند که بین دو گروه مورد پژوهش در ویژگی‌های سلاست فکری، عمل‌گرایی و رؤیاءپردازی و در نهایت ویژگی خلاقیت اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین میانگین این ویژگی‌ها در دانشجویان ورودی و خروجی نشان داد که میزان خلاقیت دانشجویان در سال آخر تحصیل به نسبت سال اول تحصیل کم‌تر بوده است. شهسواری گوغری و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی رابطه بین خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی در بین دانشجویان مرکز آموزش علمی و کاربردی شهر بابک به این نتایج دست یافتند که بین سن، جنس، وضعیت مهارت و خلاقیت دانشجویان با ویژگی‌های شخصی کارآفرینی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در مطالعه‌ی میزان تأثیر برنامه‌ی آموزش خلاقیت بر خلاقیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی که توسط براتیان و بجانی (۱۳۹۲) صورت گرفت، مشخص شد که از نظر آماری بین متغیرهای تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر، مدرک تحصیلی، پایه‌ی تحصیلی، رشته‌های خدمتی با سطوح خلاقیت ارتباط معناداری وجود ندارد. سرانجام مشخص شد که بین پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی رابطه‌ی معناداری هست. در بررسی رابطه سطح خلاقیت و مهارت‌های فراشناختی دانشجویان کامپیوتر با نمرات دروس برنامه‌نویسی توسط سعیدی مبارکه و احمد پور (۱۳۹۰) بین سطح خلاقیت دانشجویان با مقطع تحصیلی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود نداشت. در مطالعه مشیزآبادی و همکاران (۱۳۹۲) در مقایسه مهارت خلاقیت در دانشجویان سال اول تا چهارم کارشناسی پرستاری نتایج نشان داد میانگین امتیاز مهارت خلاقیت دانشجویان در کل نسبت به میانگین هنجاریابی شده در ایران بیشتر است. دانشجویان در چهار مؤلفه خلاقیت میانگین‌های نزدیک یا مساوی با نمرات هنجار شده در ایران را کسب کردند. نتایج یافته‌ها در مقایسه میانگین مهارت خلاقیت در کل و در مؤلفه‌های ابتکار و سیالیت در دانشجویان سال‌های مختلف تحصیلی اختلاف معناداری را نشان نداد. در حالی‌که این اختلاف در مؤلفه‌های بسط و انعطاف‌پذیری در دانشجویان سال‌های مختلف تحصیلی معنادار بود. در بررسی رابطه بین ابعاد جهت‌گیری هدفی با خلاقیت در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز توسط جمال‌زاده و وارث (۱۳۹۲)، نتایج نشان داد که بین ابعاد جهت‌گیری هدفی و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد. بدین‌صورت که خلاقیت توسط جهت‌گیری عملکردی - رویکردی و اجتنابی به‌صورت منفی پیش‌بینی می‌شود. در صورتی‌که جهت‌گیری تبحری به‌صورت مثبت قابلیت پیش‌بینی خلاقیت را دارد. دیگر نتایج نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از نظر خلاقیت تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین دو گروه تنها از نظر جهت‌گیری عملکردی رویکردی تفاوت معنادار وجود داشت بدین‌صورت که دختران نمرات بالاتری به دست آورده بودند. از نظر میزان خلاقیت نیز بین دانشکده‌های مورد مطالعه از نظر میزان خلاقیت تفاوت معنادار وجود نداشت. ذهبیون و احمدی (۱۳۸۸) به منظور بررسی تفکر خلاق و رابطه آن با موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، گزارش کردند که دانشجویان به میزان متوسط از تفکر خلاق بهره‌مند هستند. همچنین بین

میزان استفاده از تفکر خلاق و متغیرهای جنسیت، میزان تحصیلات پدر و مادر، معدل درسی و رشته تحصیلی دانشجویان ارتباط معناداری وجود ندارد، در صورتی که بین میزان استفاده از تفکر خلاق در دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف تفاوت معنادار وجود دارد. به طوری که تفکر خلاق در دانشجویان کارشناسی ارشد بیشتر و در دانشجویان دوره کاردانی کمتر مشاهده گردید. نتایج حاصل از مطالعه شیخ الاسلامی و رضویه (۱۳۸۴) در بررسی پیش‌بینی خلاقیت دانشجویان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای انگیزش بیرونی، انگیزش درونی و جنسیت نشان داد که انگیزش بیرونی و جنسیت، رابطه معنی‌داری با خلاقیت دانشجویان ندارند؛ اما انگیزش درونی، دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با میزان خلاقیت دانشجویان است. در بررسی رابطه بین نظام ارزش‌ها و خلاقیت در دانشجویان سال اول دانشگاه اصفهان توسط سمیعی و همکاران (۱۳۸۴) نتایج نشان داد که بین ارزش زیبایی‌گرایی و نمره کل خلاقیت از یک طرف و بین ارزش زیبایی‌گرایی و نمره خرده‌مقیاس بسط و نمره خرده‌مقیاس سیالی از طرف دیگر و نیز بین ارزش اقتصادی و نمره خرده‌مقیاس سیالی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین بین ارزش مذهبی و نمره خرده‌مقیاس ابتکار و نیز بین ارزش نظری و نمره خرده‌مقیاس انعطاف‌پذیری همبستگی منفی معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داد که ارتباط متغیر جنسیت با ارزش‌ها و نمره خلاقیت معنادار نیست. در مطالعه گنجی و همکاران (۲۰۱۵) با عنوان فرا تحلیل متغیرهای مرتبط با خلاقیت، نتایج نشان داد که رابطه معنی‌داری بین سبک‌های شناختی، انگیزش درونی و بیرونی، جنسیت، هوش عاطفی، باورهای روان‌شناختی، وسعت هدف، رفاه ذهنی، خصوصیات شخصیتی، فعالیت و خصوصیات معلم، هوش، سن، رضایت والدین از ازدواج، تفکر خلاق، شادی، سبک‌های تفکر با خلاقیت وجود دارد. مطالعه چابراک و کریج (Chabrak and Craig, 2013)، در بررسی رابطه بین عملکرد تحصیلی دانشجویان و تفکر خلاقانه نشان داد که بین آموزش مبتنی بر تفکر خلاقانه و موفقیت تحصیلی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود دارد. اولاتویو و همکاران (Olatoye et al., 2011) در بررسی‌های خود نشان دادند که رابطه‌ای بین موفقیت تحصیلی و خلاقیت در دانشجویان رشته مدیریت بازرگانی وجود ندارد. همچنین بین دختران و پسران دانشجویان از نظر سطح خلاقیت، تفاوت معناداری در تحقیق آن‌ها مشاهده نگردید. نتایج مطالعه چنگ و همکاران (Cheung et al., 2003) نیز نشان داد که با افزایش سال‌های تحصیل در دانشگاه، خلاقیت دانشجویان انسان‌شناسی و علوم اجتماعی به طور یکنواختی کاهش می‌یابد. ولی دانشجویان کسب‌وکار در زمینه خلاقیت از امتیاز بالاتری برخوردارند. سایمن و همکاران (Saemann et al., 2007)، نیز در تحقیقی باهدف بررسی تفکر خلاقانه دانشجویان در آمریکا، دریافتند که دانشجویان با نمره خلاقیت بالاتر، علاقه بیشتری به رشته تحصیلی خود دارند و موفقیت تحصیلی‌شان بالاتر است. چان (Chan, 2005) در یک مطالعه‌ای روی ۲۱۲ دانشجوی نخبه چینی خلاقیت، پشتکار خانوادگی و هوش هیجانی آن‌ها را با روش خودارزیابی مطالعه کرد و نتایج تحقیق نشان داد که هیچ ارتباطی بین جنسیت با ساختارهای مورد مطالعه وجود ندارد.

همان‌طوری که مشاهده می‌شود در تحقیقات مختلف در خصوص خلاقیت نتایج متفاوتی گزارش شده است و در برخی از رشته‌های دانشگاهی بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود داشته ولی در برخی از رشته‌ها این تفاوت معنی‌دار نیست. در سال‌های اخیر روند جذب دانشجویان دختر در رشته‌های کشاورزی به‌مانند اکثریت رشته‌های دانشگاهی کشور افزایش یافته است و در دانشکده کشاورزی زنجان نیز در حدود دوسوم دانشجویان دختر هستند. با توجه به ماهیت رشته کشاورزی و ارتباط آن با کارهای عملی همیشه روند فعلی جذب دانشجویان دختر مورد انتقاد برخی از سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هست. به نظر می‌رسد که نیاز است که این موضوع به صورت علمی و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد تا بهتر بتوان در این خصوص اظهار نظر کرد. در تحقیق حاضر موضوع خلاقیت که برای انجام هرگونه کارآفرینی در آینده نیاز است مورد بررسی قرار گرفته است و عوامل مرتبط با آن در سه سطح کل دانشجویان، دانشجویان دختر و دانشجویان پسر تحلیل شده است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف، یک تحقیق کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، توصیفی همبستگی است. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۹۴ بودند (۷۲۴ نفر) که با استفاده از جدول نمونه‌گیری بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، حجم نمونه‌ای به تعداد ۲۱۷ دانشجو مشخص و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب با حجم انتخاب و مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای مشتمل بر دو بخش بود که بخش اول شامل ویژگی‌های فردی دانشجویان و بخش دوم شامل پرسشنامه استاندارد کلب در مورد شناسایی سبک‌های یادگیری بود. این پرسشنامه شامل ۱۲ سؤال ۴ گزینه‌ای می‌باشد که فرد پاسخ دهنده باید به هر گزینه‌ای که بیشترین شباهت را به وی دارد عدد ۴ و در مقابل گزینه‌های بعدی به ترتیب میزان شباهت عدد ۳، ۲ و ۱ قرار بدهد. از جمع امتیازات هر یک از گزینه‌های مربوطه به ۴ روش اصلی یادگیری در ۱۲ سؤال پرسشنامه، ۴ نمره به دست می‌آید که این ۴ نمره نشانگر ۴ مدل یادگیری است. از تعریف دوبه‌دوی مفهوم‌سازی انتزاعی از تجربه عینی و آزمایشگری فعال از مشاهده تأملی دو نمره به دست می‌آید. این دو نمره بر روی دو محور مختصات قرار می‌گیرد و از تلاقی اعداد حاصله بر روی این دو محور سبک یادگیری مشخص می‌شود. نظر به استفاده متعدد پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب (۲۰۰۵) در تحقیقات متعدد گذشته در داخل و خارج کشور که در بخش پیشینه به آن‌ها اشاره شد، لذا ابزار تحقیق از روایی و پایایی کافی برخوردار بود. داده‌های کمی حاصل از انجام این تحقیق، با استفاده از آماره‌های توصیفی مثل فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد توصیف و در سطح استنباطی نیز از آزمون کای اسکور و ضریب همبستگی وی کرامر استفاده شده است. داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS21 تحلیل شد.

نتایج

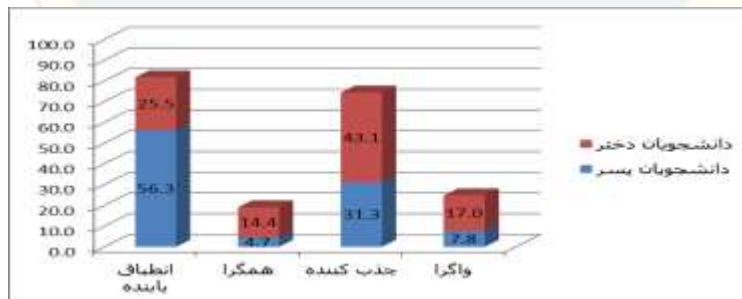
نتایج مطالعه نشان داد که میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه ۲۲/۵ سال با انحراف معیار ۱/۵۶ سال بود. حداقل سن دانشجویان ۱۹ سال و حداکثر سنشان ۲۶ سال بود. با طبقه‌بندی سن دانشجویان با استفاده از روش ISDM در ۴ گروه، مشخص گردید اغلب دانشجویان (۴۳/۸ درصد) در گروه سنی ۲۳-۲۴ سال قرار دارند. اکثریت دانشجویان (۷۰/۵ درصد) دختر و مابقی (۲۹/۵ درصد) پسر بودند. اغلب دانشجویان (۷۹/۷ درصد) شهری و ۲۰/۳ درصد روستایی بودند. ۱۵/۳ درصد از دانشجویان مورد مطالعه را ورودی‌های سال ۱۳۹۰، ۲۹/۲ درصد ورودی‌های سال ۹۱، ۲۵/۹ درصد را ورودی‌های سال ۹۲ و در نهایت، ۲۹/۶ درصد را ورودی‌های سال ۹۳ تشکیل می‌دادند. حداقل معدل دانشجویان، ۱۰/۰۷ و حداکثر معدل، ۱۹/۱۱ بود و با توجه به اینکه میانگین معدل دانشجویان مورد مطالعه، ۱۵/۸۰ با انحراف معیار ۱/۷۴ نمره بود، دانشجویان بر اساس معدل با استفاده از روش ISDM به ۴ گروه تقسیم شدند که مشخص گردید معدل اغلب دانشجویان (۳۵/۹ درصد) بین ۱۶ تا ۱۸ قرار دارد. از نظر سطح تحصیلات پدر، اغلب پدران (۳۵/۹) دارای تحصیلاتی در سطح راهنمایی و دیپلم بودند و تنها ۲۵/۹ آن‌ها دارای تحصیلاتی بالاتر از دیپلم بودند. همچنین، از نظر میزان تحصیلات مادر، مادران اغلب دانشجویان (۴۹/۸ درصد) تحصیلاتی در حد ابتدایی و خواندن و نوشتن دارا بودند. نتایج مطالعه نشان داد (جدول ۱) از دانشجویان مورد مطالعه در هشت رشته موجود در دانشکده کشاورزی، بیشترین دانشجویان نمونه مورد مطالعه را دانشجویان گروه آبیاری (۱۸ درصد) تشکیل می‌دهند. لازم به توضیح است که بر مبنای تعداد دانشجویان هر گروه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب با حجم هر گروه استفاده گردید.

جدول ۱- توزیع فراوانی دانشجویان مورد مطالعه از نظر رشته تحصیلی

رشته/گروه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
زراعت و اصلاح نباتات	۲۹	۱۳/۴	۱۳/۴
ترویج و آموزش کشاورزی	۲۲	۱۰/۱	۲۳/۵
خاک‌شناسی	۲۵	۱۱/۵	۳۵/۰
مهندسی آب	۳۹	۱۸/۰	۵۳/۰
گیاه‌پزشکی	۲۶	۱۲/۰	۶۵/۰
علوم دامی	۲۳	۱۰/۶	۷۵/۶
باغبانی	۲۵	۱۱/۵	۸۷/۱
صنایع غذایی	۲۸	۱۲/۹	۱۰۰
کل	۲۱۷	۱۰۰	

*توضیح: ۱=خیلی کم، ۲=کم، ۳=متوسط، ۴=زیاد، ۵=خیلی زیاد

متغیر اصلی تحقیق، سبک‌های یادگیری دانشجویان بود که با مجموع ۱۲ سؤال در ۴ سبک یادگیری انطباق یابنده، جذب‌کننده، واگرا و همگرا مورد سنجش قرار گرفت. سپس، با جمع‌بندی امتیازات افراد در هر یک از ابعاد ۴ گانه سبک‌های یادگیری، توزیع فراوانی دانشجویان مورد مطالعه، در نمودار ۲ نشان داده شده است. بر اساس نتایج، مشخص گردید که سبک یادگیری جذب‌کننده با بیشترین فراوانی (۳۹/۶ درصد) در رتبه اول می‌باشد و سبک‌های یادگیری انطباق یابنده (۳۴/۶ درصد)، واگرا (۱۴/۵ درصد) و همگرا (۱۱/۵ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. همچنین به تفکیک جنسیت همان‌طوری‌که در نمودار مشخص است، بیشتر دانشجویان دختر (۲۳/۱ درصد) دارای سبک یادگیری جذب‌کننده و در مقابل اکثریت دانشجویان پسر (۵۶/۳ درصد) دارای سبک یادگیری انطباق یابنده هستند.



نمودار ۲. توزیع فراوانی سبک‌های یادگیری به تفکیک دانشجویان دختر و پسر

جهت شناسایی سبک‌های یادگیری در گروه‌های مختلف دانشجویان از آماره کای اسکوئر استفاده گردید (جدول ۲)

جدول ۲- مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان بر اساس عوامل مورد مطالعه فردی و آموزشی

متغیر گروه‌بندی	سطوح متغیر گروه‌بندی	درصد فراوانی سبک‌های یادگیری				مقدار کای اسکوتر	سطح معنی‌داری
		واگرا	جذب‌کننده	همگرا	انطباق یابنده		
جنسیت	دختر	۱۲	۳۰/۴	۱۰/۱	۱۸	۲۰/۳۰***	۰/۰۰۰
	پسر	۲/۳	۹/۲	۱/۴	۱۶/۶		
محل سکونت	روستا	۳/۲	۴/۶	۲/۸	۹/۷	۷/۰۶	۰/۰۷۰
	شهر	۱۱/۱	۳۵/۰	۸/۸	۲۴/۹		
سن (سال)	۱۹-۲۰	۲۵	۲۵	۰/۵	۵/۱	۹/۵۸	۰/۳۸۵
	۲۱-۲۲	۳/۲	۱۳/۴	۶/۵	۱۲/۴		
	۲۳-۲۴	۸/۳	۱۸/۴	۳/۷	۱۳/۴		
سال ورود به دانشگاه	۱۳۹۰	۱/۴	۶/۵	۳/۲	۴/۲	۹/۸۱	۰/۳۶۵
	۱۳۹۱	۳/۲	۱۱/۱	۴/۲	۱۰/۶		
	۱۳۹۲	۴/۲	۸/۸	۲/۳	۱۰/۶		
معدل	۱۰-۱۴	۳/۲	۷/۸	۱/۸	۶/۵	۹/۹۳	۰/۳۵۶
	۱۴-۱۶	۵/۱	۱۱/۱	۶/۹	۱۲/۰		
	۱۶-۱۸	۵/۱	۱۶/۱	۲/۳	۱۲/۴		
میزان تحصیلات پدر	بی‌سواد	۲/۳	۲/۸	۲/۸	۶/۵	۱۲/۰۱	۰/۴۴۵
	ابتدایی / خواندن و نوشتن	۲/۸	۱۱/۱	۲/۸	۷/۴		
	راهنمایی یا دیپلم	۴/۱	۱۶/۶	۲/۸	۱۲/۴		
	فوق‌دیپلم یا لیسانس	۴/۱	۷/۴	۲/۳	۵/۵		
میزان تحصیلات مادر	بی‌سواد	۲/۸	۱۰/۱	۳/۷	۷/۸	۱۱/۰۸	۰/۵۲۲
	ابتدایی / خواندن و نوشتن	۷/۸	۲۲/۱	۴/۶	۱۵/۲		
	راهنمایی یا دیپلم	۱/۸	۴/۶	۲/۳	۷/۴		
	فوق‌دیپلم یا لیسانس	۱/۴	۲/۳	۰/۹	۱/۸		
		۰/۵	۰/۵	۰/۰	۲/۳		

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

همان‌طوری که در جدول بالا مشاهده می‌شود هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری بین سبک‌های یادگیری دانشجویان با متغیرهای مورد مطالعه، مشاهده نگردید. تنها، بین متغیر جنسیت و سبک‌های یادگیری ارتباط معنی‌داری در سطح یک درصد وجود داشت (کای اسکوتر = ۲۰/۳۰ و sig=۰/۰۰۰) و شدت همبستگی بر اساس ضریب همبستگی وی کرامر محاسبه شده برابر با ۰/۳۰۶ بود و بیشتر دانشجویان دختر دارای سبک یادگیری جذب‌کننده و در مقابل بیشتر دانشجویان پسر دارای سبک یادگیری انطباق یابنده بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بیشتر دانشجویان (۳۹/۶ درصد) دارای سبک یادگیری جذب‌کننده می‌باشند که این نتیجه با یافته‌های احمدی و غلامی (۱۳۹۳) و طرسکی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت نداشته ولی در تطابق با نتایج مطالعه عزیزی و همکاران (۱۳۸۰)



می‌باشد. دلیل زیاد بودن این سبک یادگیری به غالب بودن آن در بین دانشجویان دختر برمی‌گردد. دانشجویان با این سبک یادگیری، در درک مقدار زیادی از اطلاعات و ترکیب آن‌ها به صورت موجز و منطقی بیشترین توانایی را دارند (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۱)، در نتیجه به مفاهیم انتزاعی توجه بیشتری نشان داده و تمایل دارند از طریق کارکردن بر روی مفاهیم ذهنی و تحلیل کردن آن‌ها یاد بگیرند. این سبک یادگیری برای مشاغل که مستلزم اطلاعات و دانش هستند مؤثر می‌باشد (معیاری و همکاران، ۱۳۸۸). سبک یادگیری دوم سبک انطباق یابنده می‌باشد که اکثریت دانشجویان پسر دارای این سبک بودند و نشان می‌دهد که اغلب دانشجویان پسر، تمایل به یادگیری از طریق تجارب عینی و کارکردن در محیط واقعی را دارند. این نتایج با نتایج هیکسون و بالتیمور (۱۹۹۶)، اسکندری و صالحی (۱۳۸۸) و ویسر (۲۰۰۶) مطابقت دارد. با توجه به این که آموزش کشاورزی یک آموزش حرفه‌ای است بنابراین، یادگیری باید از طریق عمل کردن و تجربه کردن صورت پذیرد، سبک یادگیری اکثریت پسران با این سبک مطابقت دارد. درحالی که دختران، بیشتر تمایل به تحلیل ذهنی مفاهیم آموزشی دارند و تمایل کمتری به تجارب محیط واقعی کار دارند که با توجه به ماهیت عملی رشته‌های کشاورزی، سبک یادگیری اغلب دانشجویان دختر با ماهیت رشته مطابقت ندارد و این عدم تطابق می‌تواند منجر به بی‌علاقگی و عدم توانمندی و موفقیت دختران در رشته‌های کشاورزی شود که این مورد را می‌توان ناشی از کاستی‌های شیوه پذیرش دانشگاه و انتخاب رشته تحصیلی در آموزش عالی کشاورزی دانست که باعث می‌شود دانشجویان بدون توجه به علاقه خود، بدون داشتن کوچک‌ترین زمینه کار و زندگی در محیط روستایی و کشاورزی (با توجه به اینکه اغلب دانشجویان مورد مطالعه برابر با ۷۹/۷ درصد شهری هستند) از روی اجبار و صرفاً برای قبول شدن در دانشگاه، رشته‌های کشاورزی را برای ادامه تحصیل برگزینند. در بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری دانشجویان و جنسیت آنان، این نتیجه به دست آمد که ارتباط متقابلی بین این دو متغیر وجود دارد و پسران بیشتر دارای سبک یادگیری انطباق یابنده و دختران بیشتر دارای سبک یادگیری جذب‌کننده بودند. این نتایج با یافته‌های اسماعیل و همکاران (۲۰۱۰) قاضی و کیلی و همکاران (۲۰۱۴)، هیکسون و بالتیمور (۱۹۹۶) آزادمنش و همکاران (۱۳۹۲) مینی بر وجود رابطه معنی‌دار بین جنسیت و سبک یادگیری افراد، مطابقت دارد ولی با مطالعات اوزباش (۲۰۱۲)، احمدی و علامی (۱۳۹۳) و دمیر باش و دمیرکان (۲۰۰۷) که نشان داده بودند رابطه‌ای بین جنسیت و سبک‌های یادگیری وجود ندارد، مطابقت ندارد؛ بنابراین، با توجه به اینکه سبک یادگیری دختران و پسران باهم تفاوت دارد، لازم است استادان دانشکده کشاورزی، گستره وسیعی از روش‌های تدریس را در کلاس استفاده نمایند تا همه دانشجویان از مباحث و محتوای ارائه شده در کلاس، استفاده مکفی را ببرند و تحقق اهداف آموزشی امکان‌پذیرتر گردد. نتیجه دیگری که از مطالعه حاضر به دست آمد، این بود که برخلاف یافته‌های امیر و همکاران (۲۰۱۱) و قاضی و کیلی و همکاران (۲۰۱۴)، رابطه معنی‌داری بین سن با سبک‌های یادگیری دانشجویان وجود نداشت؛ ولی این نتیجه با نتایج حاصل از مطالعه احمدی و علامی (۱۳۹۳) و جنت علی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) همسو بود که در واقع نشان‌دهنده این بود که در سنین مختلف دانشجویان، به کار بردن سبک خاصی از یادگیری وجود ندارد. نتیجه مطالعه حاضر نشان داد که بین معدل (پیشرفت تحصیلی) دانشجویان با سبک‌های یادگیری آن‌ها ارتباط متقابلی وجود ندارد. این یافته مطابق با یافته‌های احمدی و علامی (۱۳۹۳) و جنت علی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) می‌باشد ولی با یافته‌های آزادمنش و همکاران (۱۳۹۲) حسینی نسب و شریفی (۱۳۸۹)، معتمدی و همکاران (۱۳۹۳) تقی‌پورکران و رضاپوردرویش، (۱۳۹۲) مطابق و همسو نبود. به‌طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد که اساتید دانشکده‌های کشاورزی باید با توجه به تفاوت بودن سبک‌های یادگیری دانشجویان از سبک‌های تدریس متفاوتی نیز استفاده کنند. تلفیق روش‌های تدریس عملی با انتزاعی متناسب با ماهیت موضوع زمینه یادگیری مناسب‌تر برای همه دانشجویان کلاس را فراهم می‌آورد. شاید یکی از دلایل ناراضی‌بندی دانشجویان از فرایند یادگیری به عدم ارتباط سبک تدریس اساتید با سبک یادگیری آن‌ها باشد. امروزه به دلیل ضعف امکانات آزمایشگاهی و میدانی در سطح دانشکده‌های کشاورزی اکثریت اساتید از روش‌های نظری و سخنرانی استفاده می‌کنند و همین امر باعث ناراضی‌بندی دانشجویان می‌گردد.

منابع

1. Yilmaz-Soylu, M., & Akkoyunlu, B. (2009). The Effect of Learning Styles on Achievement in Different Learning Environments. *Turkish Online Journal of Educational Technology-TOJET*, 8(4), 43-50.
2. Alharbi, A., Paul, D., Henskens, F., & Hannaford, M. (2011, December). An investigation into the learning styles and self-regulated learning strategies for computer science students. In *Proceedings Ascilite*. Retrived December 11 2015 from <http://www.ascilite.org.au/conferences/hobart11/downloads/AlharbiASCILITE11.pdf>
3. Amir, R., Jelas, M., & Rahman, S. (2011). Learning styles of university students: Implications for teaching and learning. *World Applied Sciences Journal*, 14, 22-26.
4. Arthurs, J. B. (2007). A juggling act in the classroom: Managing different learning styles. *Teaching and learning in nursing*, 2(1), 2-7.
5. Bartlett, J. E., Kotrlik, J. W., & Higgins, C. H. C. (2001). Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research appropriate sample size in survey research. *Information technology, learning and performance journal*, 19(1), 43.
6. Bastable, S. B. (1998). Nurse as Educator: Principles of Teaching and Learning. *AJN The American Journal of Nursing*, 98(6), 16L.
7. Demirbas, O. O., & Demirkan, H. (2007). Learning styles of design students and the relationship of academic performance and gender in design education. *Learning and Instruction*, 17(3), 345-359.
8. Eishani, K. A., Saa'd, E. A., & Nami, Y. (2014). The Relationship between Learning Styles and Creativity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114, 52-55.
9. Ghazivakili, Z., Nia, R. N., Panahi, F., Karimi, M., Gholsorkhi, H., & Ahmadi, Z. (2014). The role of critical thinking skills and learning styles of university students in their academic performance. *Journal of Advances in Medical Education & Professionalism*, 2(3), 95-102
10. Grasha, A. F. (2002). *Teaching with style: A practical guide to enhancing learning by understanding teaching and learning styles*. Alliance Publ.
11. Hickson, J., & Baltimore, M., (1996). Gender-related learning style patterns of middle school pupils. *School Psychology International*, 20, 59-70.
12. Ismail, A., Hussain, R. M. R., & Jamaluddin, S. (2010). Assessment of students' learning styles preferences in the faculty of science, Tishreen University, Syria. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 4087-4091.
13. Kalbasi S, Naseri M, Sharifzadeh GH, Poursafar A.(2008). Medical students' learning styles in Birjand University of medical sciences strides in development of medical education. *Journal of Medical Education Development Center of Kerman University of Medical Sciences*; 1 (5), 10-16.
14. Karimi Moonaghi, H., Dabbaghi, F., Oskouie, F., & Vehviläinen-Julkunen, K. (2009). Learning Style in Theoretical Courses: Nursing Students' Perceptions and Experiences. *Iranian Journal of Medical Education*, 9(1), 41-54.
15. Kolb, A. Y. (2005). *The Kolb learning style inventory—version 3.1 2005 technical specifications*. Boston, MA: Hay Resource Direct, 200. Retrived December 11 2015 from <http://www.whitewater-rescue.com/support/pagepics/lstechmanual.pdf>
16. McLeod, M. (2006, May). They all learn the same... Don't They? An Evaluation of the Learning Style Preferences of the NZ Dairy Industry. In *International Teamwork in Agricultural and Extension Education Conference Proceedings*, pp. 414-423

17. Nasrabadi HM, Mousavi S, Kave Farsan Z. (2012). The Contribution of Critical Thinking Attitude and Cognitive Learning Styles in Predicting Academic Achievement of Medical University's Students. *Iranian Journal of Medical Education*. 12(4),285-96.
18. Özbaş, S. (2013). The investigation of the learning styles of university students. *The Online Journal of New Horizons in Education*, 3(1), 53-58.
19. Siriopoulos, C. & G, Pomonis, (2007), Learning Style Changes and Their Relationship to Critical Thinking Skills, *Journal of College Teaching and learning*. 4(1), 45-60.
20. Sternberg Rj, Sternberg K. (2013). *Cognitive psychology*. Translated by: Kharazi K, Hedjazi E. 3rd ed. Tehran: Samt.
21. Visser, S., McChlery, S., & Vreken, N. (2006). Teaching styles versus learning styles in the accounting sciences in the United Kingdom and South Africa: a comparative analysis. *Meditari Accountancy Research*, 14(2), 97-112.
22. Williams, B., Brown, T., & Etherington, J. (2013). Learning style preferences of undergraduate pharmacy students. *Currents in Pharmacy Teaching and Learning*, 5(2), 110-119.
23. Yam, R. C., Guan, J. C., Pun, K. F., & Tang, E. P. (2004). An audit of technological innovation capabilities in Chinese firms: some empirical findings in Beijing, China. *Research policy*, 33(8), 1123-1140.
۲۴. احمدی، م و علامی، ع. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای سبک‌های یادگیری به‌روزان با استفاده از پرسشنامه‌های وارک و کلب و ارتباط آن‌ها با پیشرفت تحصیلی. *مجله پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ۶(۱)، ۲۷-۱۸.
۲۵. اسکندری، ف و صالحی، م (۱۳۸۸). بررسی تأثیر مطابقت میان سبک‌های تدریس و یادگیری بر عملکرد درسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه کردستان)، *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۰(۲)، ۱۶۹-۱۸۰.
۲۶. بهنام مقدم، م، عبدالمی، ع، رستمی نژاد، م، صالحیان، ت و بهنام مقدم، ع. (۱۳۹۴) بررسی سبک‌های یادگیری دانشجویان پرستاری و مامایی یاسوج بر اساس الگوی وارک در سال ۱۳۹۲. *ارمغان دانش*، ۲۰(۳)، ۲۴-۲۵۲.
۲۷. تقی‌پورکران، ح و رضاپوردرویش، ف. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری کلب و سبک‌های شناختی ویتکین و تأثیر آن در پیشرفت تحصیلی دروس زبان، ریاضی، فیزیک و شیمی (علوم پایه) دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان، نخستین همایش منطقه‌ای ارزیابی آموزش دروس علوم پایه، چالش‌ها و رهیافت‌ها، اهواز، آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما واحد اهواز.
۲۸. تمنایی فر، م، صدیقی ارفعی، ا، و ماسپی، ف. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، انگیزش پیشرفت و سبک‌های یادگیری در دانشجویان. *مجله نامه آموزش عالی*، ۷(۲۵)، ۱۴۵-۱۵۹.
۲۹. جنت علیپور، ز، نوایی، ن. و جهانشاهی، م. (۱۳۹۲). ارزیابی سبک‌های یادگیری دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رامسر بر اساس الگوی یادگیری وارک. *دو فصلنامه آموزش پزشکی*، ۱(۲)، ۱۳-۵۴.
۳۰. حسینی‌نسب، ا. و شریفی، ح. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (دختر و پسر) پایه سوم متوسطه شهرستان بوکان در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹. *علوم تربیتی*، ۳(۱۲)، ۲۸-۷.
۳۱. ساجدی، ر. (۱۳۹۳). بررسی خلاقیت و سبک‌های یادگیری دانشجویان و فراگیران در فرایند یاددهی - یادگیری، اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، بازیابی شده در ۱۵ آذر ۱۳۹۲، از http://www.civilica.com/Paper-EPSCONF01-EPSCONF01_279
۳۲. طرسکی، م، رضا زاده، ج، رجب‌زاده، ر، خاکشور علی، ح، علی و حسینی، س.م. (۱۳۹۳). بررسی سبک‌های یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی بر اساس مدل کلب. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۶(۱)، ۸۷-۸۱.



۳۳. عزیزی، ف.، خانزاده، ع و حسینی، م. (۱۳۸۱) بررسی سبک‌های یادگیری بر اساس نظریه کلب در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۸۰. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۲ (۲)، ۱-۱۶
۳۴. معتمدی، ی.، ابراهیمی قوام، ص.، اعظمی، ی.، چوپان، ح. دوستیان، ی. (۱۳۹۳). مقایسه سبک‌های یادگیری، سبک‌های مطالعه و مدیریت زمان در دانشجویان ممتاز و غیرممتاز. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۰ (۳۳)، ۱-۲۰
۳۵. معیاری، ا.، صبوری کاشانی، ا.، قریب، م. و بیگلرخانی، م. (۱۳۸۸). مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان سال اول و سال پنجم رشته پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی، مجله تحول و توسعه آموزش پزشکی، ۶ (۲)، ۱۱۸-۱۱۰
۳۶. میرک زاده، ع.ا.، غیاثوند، ف. شریف زاده، ا. و شریفی، م. (۱۳۸۸) بررسی سبک‌های یادگیری دانشجویان کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۰ (۴)، ۷۹-۸۹
۳۷. یاسین، آ.، عظیمیان، ج.، ضیغمی، ر.، جهانی هاشمی، ح. (۱۳۹۲). بررسی همبستگی سبک‌های یادگیری با برخی ویژگی‌های دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی قزوین با استفاده از الگوی وارک. آموزش پرستاری، ۲ (۱)، ۳۵-۲۷.

